



تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق در قرن پنجم هجری

پدیدآورده (ها) : امام، سید جلال

تاریخ :: تاریخ اسلام در آینه پژوهش :: بهار 1386 - شماره 13
از 5 تا 36

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/269497>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 17/01/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق

در قرن پنجم هجری

سید جلال امام*

چکیده

تحقیق درباره تاریخ اجتماعی اقوام و جوامع گذشته، رویکردی جدید به تاریخ است که یافته‌های بسیاری فراروی تاریخ پژوهان قرار می‌دهد. بر خلاف سبک سنتی تاریخ نگاری، تاریخ اجتماعی عهده‌دار کشف لایه‌های پنهان و بررسی سبک زندگی و نوع تفکر انسان‌های پیشین است. نویسنده در این مقاله بر مبنای همین رویکرد سعی می‌کند تا وضعیت اجتماعی و سبک زندگی شیعیان را در قرن پنجم هجری بررسی نماید. بر این اساس، در ابتدا عوامل مؤثر در شکل‌گیری تاریخ اجتماعی؛ نظیر نژاد، مذهب، وضعیت جغرافیایی و...، بررسی می‌گردد و در ادامه به مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی؛ از قبیل، معیشت، آداب و رسوم، نظام ارتباطی عالمان دینی با مردم، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های شیعیان و...، پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: تاریخ اجتماعی، قرن پنجم، شیعه، شیعیان، مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع.

مقدمه

تاریخ^۱، به یک اعتبار حکایت فراز و فرودهای زندگی انسان‌های گذشته است؛ حکایت کنش‌ها و واکنش‌های معنادار کسانی که صفحه جدیدی از زندگی را رقم زده و خواسته یا ناخواسته برگی بر تاریخ بشر افزوده‌اند. تاریخ، دفتر کهنه‌ای است که دست به دست منتقل گشته تا به امروز رسیده است. سرفصل‌های این دفتر به احوال سلاطین، حاکمان و درباریان اختصاص یافته و پررنگ‌تر از سایر قسمت‌هاست و صد افسوس که دیگر قشرهای جامعه سهم چندانی در این دفتر نیافته‌اند.

آن‌چه در کتاب‌ها، کتیبه‌ها و سایر آثار گذشتگان دیده می‌شود، سیر خط سیاست و رشته رهبری و حکومت جوامعی است که انسان‌های زنده در بدی - و یا گاه در نیکی - با ربودن قدرت و ملازمات آن از رقبای خویش، چند صباحی بر آن ریاست می‌کردند. انسان‌های عادی که از هر بهره‌ای محروم بودند، این فرصت را نیز نیافتند که دست‌کم نام و یادی از آنها و وضعیت زندگی‌شان در کتاب‌های تاریخ ذکر شود تا آیندگان از احوال آنها آگاهی یابند.

در میراث گذشتگان، به تاریخ اجتماعی انسان‌ها، یعنی سبک زیستن و تفکر آنها، اهمیتی داده نشده است؛ از این رو، امروزه محققان و مورخان برای دست‌یابی به این بعد مهم و اساسی از تاریخ پیشینیان، با یک فضای تاریک مواجه می‌باشند؛ اما از آن‌جایی که تحقیق در احوال اجتماعی انسان‌های گذشته، علاوه بر فواید ارزشمند آن، ابعاد جدیدی از تاریخ را برای ما روشن می‌نماید، لازم است تا با نگاه دقیق، گزارش‌های جسته و گریخته مورخان جمع‌آوری شود و پس از تحلیل، تاریخی اجتماعی ارائه گردد.

در این مختصر، تاریخ اجتماعی شیعیان اثنی‌عشری مناطق ایران و عراق در قرن پنجم هجری بررسی می‌شود. علت انتخاب این قرن، رونق نسبی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان، به معنای اعم، است. قرن چهارم هجری به رنسانس

۱. در اینجا منظور دانش تاریخ است.

دنیای اسلام شهرت دارد؛ اما به نظر می‌رسد که هر تحولی دارای شروع و اوج و فرودی است و باید نیمه اول قرن پنجم هجری را دوره‌ای دانست که هنوز جامعه اسلامی در اوج می‌باشد؛ حضور عالمان و متفکران، بیانگر رشد و بالندگی جامعه اسلامی آن زمان است.

از آن‌جا که سعی بر آن است تا با مطالعه منابع مختلف، زندگی اجتماعی شیعیان در قرن پنجم بررسی شود، باید به این نکته مهم توجه کرد که در اوایل قرن پنجم هجری که هنوز دولت شیعی آل بویه در منطقه ایران و عراق در اقتدار بود، این دولت تا حدودی توانسته بود زمینه‌های ایجاد امنیت و آزادی نسبی را برای شیعیان فراهم آورد؛ در نتیجه، تحولی اساسی در ابعاد مختلف حیات فکری و سیاسی شیعیان ایجاد شد؛ لذا بررسی و مطالعه این دوره از اهمیت خاصی برخوردار است. ناگفته نماند که ممکن است در مواردی از آداب و رسوم یا سنت‌های رایج در میان شیعیان که مربوط به سال‌های پایانی قرن چهارم و یا آغازین قرن ششم باشد، یاد کنیم. در این خصوص، نباید اشکال شود که این مربوط به قرن پنجم نیست؛ چرا که یک رسم و عادت اجتماعی، مثل یک جشن یا یک رفتار اجتماعی خاص، معمولاً برای سال‌های متمادی باقی می‌ماند، مگر این که اتفاق بزرگی، مثل جنگ یا مهاجرت، رخ دهد که آنها را تحت تأثیر قرار دهد؛ چنان‌چه اگر گزارشی نشان دهد که یک اثر تمدنی، مانند مسجد، برای شیعیان فلان شهر در نیمه قرن چهارم وجود داشته، طبیعی است که این اثر برای سال‌های زیادی پابرجا مانده و می‌توانسته از مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی قرن پنجم نیز به حساب آید.

در پایان ذکر این نکته ضروری می‌نماید که گرچه این مقاله توصیفی است و اغلب سعی در گزینش گزارش‌های اجتماعی دارد، با توجه به این که تأثیر به سزایی در بازشناسی ابعاد مختلف جوامع گذشته دارد؛ بنابراین از مباحث زیربنایی تاریخ به شمار می‌آید. امروزه نقص تحلیل‌های تاریخی را می‌توان با درک فضای کلی و اجتماعی یک جامعه جبران کرد که متأسفانه کمتر به آن پرداخته می‌شود.

تبیین مفاهیم

تاریخ اجتماعی: به طور مختصر و مفید می‌توان تاریخ اجتماعی را چنین تعریف نمود: «بررسی گرایش‌های فکری و اخلاقی و سبک زندگی جوامع گذشته». در تاریخ اجتماعی سعی بر این است تا به دور از نوشته‌های سنتی تاریخ که بر محور حاکمان و درباریان دور می‌زند، به توده‌های مردم و زندگی روزمره آنها توجه شود و روش و منش زندگی انسان‌های یک جامعه به دست آید. البته روشن است که محقق در بعضی از موارد ناچار است تا گریزی به سیاست، اقتصاد و نهادهای غیر اجتماعی نیز بزند تا بتواند فهم و تحلیل جامعی از مسائل اجتماعی جامعه به دست آورد؛ اما در این نوع از تاریخ‌نویسی و تاریخ‌پژوهی سیاست و اقتصاد، دیگر حاکم و درباریان محور نیستند، بلکه آنها نیز به مثابه یک فرد معمولی از جامعه نگریسته می‌شوند که غذا می‌خورد، لباس می‌پوشد و سبک خاصی برای زندگی خویش برمی‌گزیند.

قرن پنجم: برای تعریف و شناخت قرن پنجم، به اوضاع سیاسی - فرهنگی این قرن در منطقه ایران و عراق - که خلافت و مرکزیت دنیای اسلام در آنها قرار داشت - نگاهی کلی می‌اندازیم. به نظر می‌رسد این نگاه کلی، برای درک موقعیت شیعه در دنیای اسلام ضروری باشد.

الف: اوضاع سیاسی: اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، با خلافت بیست و پنجمین خلیفه عباسی، القادر بالله (۳۸۱ تا ۴۲۱ هـ)، مصادف می‌باشد. طی این سال‌ها، خلافت عباسی زیر سلطه آل بویه (۳۴۴ تا ۴۴۷ هـ) است؛ در سرزمین‌های شرقی دنیای اسلام، سلطان محمود غزنوی (۳۸۱ تا ۴۲۱ هـ) قدرت را در اختیار دارد که با گرفتن تأییدیه از خلیفه عباسی به حکومت رسمی خود ادامه می‌دهد.

اشتباه سلطان محمود غزنوی مبنی بر اجازه دادن به ترکان سلجوقی برای ورود به مناطق شمالی ایران دامن فرزندش مسعود را گرفت؛ بدین ترتیب، سلجوقیان (۴۲۹ تا ۵۹۰ هـ) قدرت را در شرق دنیای اسلام به دست گرفتند و به طرف مرکز خلافت پیش رفتند تا این‌که طغرل سلجوقی در سال ۴۴۷ هـ،

ملک الرحیم، آخرین حاکم بویه ای را از کار برکنار کرد و قدرت دنیای اسلام را به دست گرفت.^۱

قرن پنجم هجری علاوه بر القادر بالله تا سال ۴۲۱هـ، سه خلیفه دیگر عباسی، یعنی القائم بالله تا ۴۶۷هـ، المقتدی بالله تا ۴۸۷هـ و المستظهر بالله تا ۵۱۸هـ، نیز بر مسند خلافت تکیه زدند، که در این مدت حاکمان سلجوقی؛ شامل آلب ارسلان (۴۵۵ تا ۴۶۵هـ)، ملک شاه (۴۶۵ تا ۴۸۵هـ)، و برکیارق (۴۸۵ تا ۴۹۸هـ)، قدرت برتر دنیای اسلام بودند.

در همین زمان، در مناطق شمال آفریقا دولت شیعی فاطمیان حضور دارند که محدوده مکانی آن از بحث ما خارج است.

ب: اوضاع فرهنگی و علمی: البته با قدری مسامحه در این تعبیر، قصد داریم تا از دانشمندان و اندیشوران دنیای اسلام یاد کنیم تا ضمن آن، از اوج رونق علمی مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، در قرن پنجم هجری آگاه شویم. قرن پنجم هجری شاهد حضور شخصیت‌های برجسته شیعی، هم چون سید رضی (م ۴۰۶هـ)، شیخ مفید (م ۴۱۳هـ)، سید مرتضی (م ۴۳۶هـ) و شیخ طوسی (م ۴۶۰هـ)، بوده است که با سیطره علمی خویش، زیربنای فقه و کلام شیعه را بازسازی، نوسازی و تقویت نمودند. هم چنین می‌توان به عالمانی دیگر، از جمله حسین بن عبدالله غضائری (م ۴۱۱هـ)، ابن عبدون (م ۴۲۳هـ)، احمد بن حسین غضائری (م ۴۴۰هـ)، ابوالصلاح حلبی (م ۴۴۷هـ)، ابوالفتح کراچکی (م ۴۴۹هـ)، نجاشی (م ۴۵۰هـ)، ابن شاذان قمی (م ۴۶۰هـ)، ابن ادریس حلی (م ۴۷۸هـ)، قاضی ابن براج (م ۴۸۱هـ)، حاکم حسکانی (م ۴۹۰هـ) و فتال نیشابوری (م ۵۰۸هـ)، اشاره کرد.

در میان عالمان اهل سنت نیز می‌توان به امام الحرمین جوینی (م ۴۷۸هـ)، خواجه نظام الملک طوسی (م ۴۸۵هـ)، امام محمد غزالی (م ۵۰۵هـ)، ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰هـ)^۲، بیهقی، مؤلف دلائل النبوه، (م ۴۵۸هـ) و نیز مورخانی؛

۱. ابن اثیر، الکامل، ترجمه، ج ۲۲، ص ۳۱۷.

۲. البته در مورد ابونعیم اصفهانی اقوالی مبنی بر اینکه وی شیعه بوده نیز هست که نیاز به اثبات دارد.

هم چون ابوعلی مسکویه (م ۴۳۲هـ)، بیهقی (مؤلف تاریخ بیهقی م ۴۷۰هـ) و ابن عبدالبر (م ۴۶۳هـ)، در این دوره زندگی می‌کردند.

از دیگر شخصیت‌های معروف این قرن نیز می‌توان از دانشمندانی؛ چون بوعلی سینا (م ۴۲۸هـ)، حکیم عمر خیام نیشابوری (م ۵۱۷هـ)، ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰هـ)، شاعر پراوازه حکیم ابوالقاسم فردوسی (م ۴۱۰هـ)، ابوحیان توحیدی (م ۴۱۰هـ)، ابن هبة الله دمشقی (م ۴۹۹هـ)، ابوالبرکات بغدادی (م ۵۴۷هـ)، عبدالقاهر جرجانی (م ۴۷۱هـ)، ابوالعلاء معری (م ۴۴۹هـ)، ماوردی، مؤلف الاحکام السلطانیة (م ۴۵۰هـ)، ابومنصور ثعالبی (م ۴۲۹هـ)، ابوبکر محمد کرجی (م ۴۴۰هـ) که گاهی به اشتباه کرخی خوانده می‌شود^۱، یاد کرد. هم‌چنین می‌توان به مکتب اخوان الصفا اشاره نمود که در نیمه قرن چهارم هجری در بصره پدید آمد. اخوان الصفا در واقع هم‌فکری و همکاری گروهی از مخالفان حکومت برای فرار از سلطه آن بود. فیلیپ خوری حتی در معرفی این مکتب فلسفی - سیاسی می‌نویسد:

به احتمال قوی این نام از حکایت «حمامه المطوقه» کلیله و دمنه گرفته‌اند که گوید گروهی از حیوانات چون اخوان الصفا با همدیگر متحد و از دام صیاد جستند. اخوان الصفا شعبه‌ای در بغداد داشت. اینان فقط یک گروه فلسفی نبودند، بلکه یک جماعت سیاسی و دینی به شمار می‌آمدند که تمایلات افراطی شیعه‌گری داشتند. ایشان با نظم سیاسی موجود مخالفت داشتند و از راه پیشرفت عقول و نشر عقاید دینی در سقوط آن می‌کوشیدند.^۲

حال با در نظر گرفتن این وضع عمومی در قرن پنجم هجری نکاتی از تاریخ اجتماعی شیعه در قرن پنجم را از منابع تاریخی ارائه می‌نماییم.

مناطق شیعه‌نشین در قرن پنجم هجری

قبل از ورود به اصل بحث باید محدوده جغرافیایی که این مقاله قصد دارد به آن پردازد روشن شود؛ اما ذکر این نکته لازم است که در این مقاله، منطقه و یا شهر

۱. فیلیپ خوری حتی، تاریخ عرب، ص ۴۸۳.

۲. همان، ص ۴۷۶.

خاصی برای تحقیق انتخاب نشده است؛ چرا که قصد داریم با نگاهی کلی به مناطق شیعه‌نشین، رفتارها و گرایش‌های اجتماعی آن را کندوکاو کرده، به یک دیدگاه کلی در باب تاریخ اجتماعی شیعیان در قرن پنجم دست یابیم. با این نگاه، ابتدا مناطق شیعه‌نشین در قرن پنجم را معرفی می‌کنیم و سپس با توجه به اطلاعات موجود در منابع، وضع اجتماعی شیعیان را مورد بررسی قرار می‌دهیم. برای دست‌یابی به مناطق شیعه‌نشین در قرن پنجم، کتاب النقص، نوشته عبدالجلیل قزوینی رازی، بهترین منبعی است که ما را کمک می‌کند. وی در بخشی از این کتاب درصدد پاسخ‌گویی به این شبهه نویسنده کتاب فضائح الروافض که ادعا کرده است: «شیعیان در منطقه خاصی جمع نیستند و شهری را نمی‌توان نام برد که همه شیعه باشند»، برآمده و در فصلی مجزا شهرهای شیعه‌نشین در زمان حیات خویش را بر می‌شمارد. قزوینی می‌نویسد:

معلوم است که در شهر قم همه شیعت‌اند... و کراسی علما و نوبت عقود مجالس و کتابخانه‌های ملء از کتب طوایف... و مدرسه‌های معروف چون سعد طلب و اثیر الملک و شهید سعیدالدین مرتضی و سید امام زین‌العابدین... و کاشان بحمدالله و منه منور و مشهور بوده است همیشه و بحمدالله هست به زینت اسلام و نور شریعت و قواعد آن از مساجد جامع و مساجد دیگر با آلت و عدت و مدارس بزرگ چون مدرسه صفویه و مجدیه و عزیزیه... اما شهر آبه اگر چه شهری است به صورت کوچک بحمدالله و منه بقعه بزرگوار است از شعار مسلمانی و آثار شریعت پمصفوی و سنت علوی... اما ورامین اگر چه دهی است به منزلت از شهرها باز نماند از آثار شریعت و انوار اسلام... اما ساری و ارم معلوم است که همیشه دارالملک و سریرگاه ملوک مازندران بوده است... اما سبزوار بحمدالله و منه هم محل شیعت و اسلام است آراسته به مدارس نیکو و مساجد نورانی.^۱

به نظر می‌رسد علاوه بر این‌ها، شهرهای دیگری نیز شیعه‌نشین بوده‌اند و عبدالجلیل قزوینی رازی صرفاً شهرهای مرکزی و شمالی ایران و مناطق جبال را نام برده است. در عراق نیز شهرها و مناطقی، مانند کرخ بغداد، از مناطق معروف شیعه‌نشین بوده‌اند.

۱. قزوینی، النقص، ص ۱۹۴.

مبانی موثر در شکل‌گیری تاریخ اجتماعی شیعه در قرن پنجم

در زندگی اجتماعی انسان‌ها، [خصوصاً] سبک زیستن آنها، اموری به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به ایفای نقش می‌پردازند؛ به عنوان مثال جامعه‌ای با یک سلسله باورها و اعتقادات در حال زندگی است که ناگهان قومی با دین و مذهب و باورهای متفاوت به این کشور حمله می‌کنند و بر آنها پیروز می‌شوند. قوم پیروز خواسته یا ناخواسته، عقاید و باورهایشان را نیز در جامعه مغلوب ترویج می‌کند. پس از گذشت اندک زمانی، جامعه مغلوب نیز خواسته یا ناخواسته به باورها و آداب و رسوم میهمانان گرایش پیدا می‌کند. در نتیجه، جنگ از عوامل موثر در شکل‌گیری تاریخ اجتماعی یک جامعه است. این مسئله نمونه‌های بسیاری در تاریخ دارد که روشن‌ترین آنها فتوحات اسلامی است که مسلمانان پس از فتح مناطق جدید دین اسلام و باورهای آن را به مناطق جدید هدیه بردند.

برخی از عوامل مهمی که علاوه بر شکل‌گیری آداب و رسوم در زندگی جوامع، موجب تغییر و تحول در آنها می‌باشد و نیز زمینه‌دگرگونی در گرایش‌های فکری و اخلاقی آن جوامع را فراهم می‌کند، عبارتند از:

۱- نژاد؛ ۲- دین و مذهب؛ ۳- سرزمین و اقلیم؛ ۴- باورها و اعتقادات؛ ۵- مهاجرت؛ ۶- نهادهای غیر اجتماعی؛ ۷- ارتباط [عالمان دینی با مردم].

با تغییر و یا شدت و ضعف تاثیر این عوامل، سبک زندگی یک جامعه نیز دستخوش تغییر می‌گردد. جوامع شیعی نیز از این قانون مستثنی نیست و کم و بیش می‌توان برخی از این عوامل موثر در تاریخ اجتماعی شیعه در قرن پنجم را در منابع تاریخی یافت.

۱. نژاد: در اوایل قرن پنجم، برتری سیاسی و مذهبی با آل بویه است. اما نژاد آنگاه تأثیرگذار شد که سلجوقیان ترک به داخل ایران آمدند و با دست‌یابی به قدرت و تحمیل تحریم‌های مذهبی بر ضد شیعیان، تغییراتی در روند زندگی آنها ایجاد نمودند که از جمله می‌توان به نهادینه شدن نژاد ترک در مناطق شیعه نشین اشاره نمود.

۲. مذهب: در این جا باید به دو جنبه توجه کرد: یکی آن که بدانیم که آداب و رسوم مذهبی خاص شیعیان در قرن پنجم چه بوده است و نکته دیگر این که شیعه، در سایه حکومت آل بویه، از چنان قدرت و نفوذی بهره‌مند بود که می‌توانست آزادانه آداب و رسوم خویش را عملی کند. ابن‌کثیر می‌نویسد:

در دهم ماه محرم سال جاری (۳۵۲) معز الدوله به مردم دستور داد که دکان‌ها و اماکن کسب را ببندند و تعطیل کنند و سوگواری نمایند و قبا‌های سیاه مخصوص عزا بپوشند و زنان نیز موی خود را پریشان و گونه‌ها را سیاه کنند و جامه‌ها را چاک بزنند و در شهر بگردند و بگریند و بر سر و سینه بزنند و ندبه حسین بن علی رضی الله عنهما را بخوانند. مردم همه، آن کار را کردند و سنیان انکار نکردند، زیرا یارای منع نداشتند که عده شیعیان فزون‌تر و سلطان هم همراه آنها بود.^۱

در نیمه دوم قرن پنجم نیز مذهب تأثیر بسیار زیادی بر روند زندگی اجتماعی شیعیان گذاشت. با آمدن سلجوقیان متعصب، شیعیان دوباره به محدودیت‌هایی دچار شدند.

۳. نظام ارتباطی: عامل دیگری که در رشد و توسعه زندگی اجتماعی شیعیان ایفای نقش نمود، نظام ارتباطی می‌باشد. مراد از نظام ارتباطی شیعیان در قرن پنجم، همان ارتباط بین عالمان دینی و مردم و نیز عالمان دینی و شاگردان و نایبان ایشان در اقصی نقاط مناطق شیعه‌نشین است. کتاب‌های به جای مانده از عالمان قرن پنجم، به ویژه شیخ مفید^۲، از ارتباطی قوی بین مردم و عالمان دینی حکایت می‌کند که تفصیل آن در بخش مؤلفه‌ها خواهد آمد.

مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعه در قرن پنجم

۱. سبک زندگی

الف) معیشت: درباره وضعیت معیشت شیعیان در قرن پنجم اطلاعات دقیق و کاملی در دست نیست، اما از قرار دادن برخی گزارش‌ها در کنار هم می‌توان تصویری کلی به دست آورد. روی هم رفته باید گفت که تقریباً رونق اقتصادی مناسبی برای برخی از شهرهای شیعه‌نشین متصور است. به نظر می‌رسد شهرهای

۱. ابن اثیر، الکامل، ترجمه، ج ۲۰، ص ۲۶۲.

شمالی ایران و برخی شهرهای عراق، مانند بغداد، از رفاه و آسایش نسبی برخوردار بوده‌اند. مقدسی درباره‌ی ری که شهری شیعه نشین بود، می‌نویسد:

ری، شهری ارجمند، دلگشا، باستانی، فخر آور، پرمیوه، دارای بازارهای گشاده، کاروانسراهای خوب، گرمابه‌های پاکیزه، خوراک‌های خوشمزه است. آبش فراوان، زیانش اندک، بازرگانی‌اش سودمند، دانشمندان‌اش گرانمایه، عوامش زیرک، زنان‌اش کاردان، بخش‌هایش زیبا و پاکیزه و مردمش باخرد، سبک‌بار، زیبا و بافضل و ادبند؛ مجلس‌ها، مدرسه‌ها، ذوق و هنر، جایگاه‌ها، بارگاه‌ها و ویژگی‌های دیگر دارد؛ اندرز گران‌اش از فقه، سرورانش از دانش، محتسبان‌اش از خوش‌نامی، و سخنران‌اش از ادب، کمبود ندارند؛ یکی از مادر شهرهای افتخار خیز اسلام است که پیران بزرگوار، قاریان، پیشوایان، زاهدان، جنگجویان و والاهمتان از آن برخاسته‌اند. برف و یخ آن بسیار، فقا^۱ع^۱ ایشان و پارچه‌هایشان نام‌بردار است. اندرز گران‌اش هنرمند، روستاهایش ارجمندند. کتابخانه‌ای^۲ پر آوازه و میدان بطیخ^۳ شگفت‌انگیز «روژه»^۴ دلگشا و یک دژ و شهرک دارد. کاروانسراهایش زیبا، مجهز به وسایل کامل، خوش و مرفه است.^۵

درباره مردم شهرهای شمالی ایران که شیعه بوده‌اند، آمده است:

اهالی منطقه مازندران به تربیت کرم ابریشم می‌پرداختند. به همین جهت ابریشم بسیار از آنجا صادر می‌شد. پارچه‌های پشمی و فرش و انواع پوشاک و دستار نیز در آنجا می‌بافتند. تهیه ظروف چوبی از قبیله انواع کاسه و اشیاء دیگر که آنها را از چوب می‌ساختند رواج داشت.^۶

از نکات درخور توجهی که در این جا می‌توان به آن اشاره کرد، صدور مواد خام از شهرهای شمالی به شهر ری برای ساخت ظروف بوده است. مؤلف تاریخ اجتماعی ایران به نقل از مقدسی می‌نویسد:

محصول طبیعی آن چوب شمشاد است که آن را به صورت قطعاتی بریده و به خارج می‌فرستند و صنعتگران ری از آن کاسه و ظروف دیگر می‌سازند. شمشاد چوبی است

۱. نوعی مشروب الکلی.

۲. شاید همان کتابخانه صاحب بن عباد باشد.

۳. ظاهراً مرکز میوه فروشی باشد.

۴. محله یا قریه ای از ری بوده است.

۵. مقدسی، احسن التقاسیم، ترجمه، ج ۲، ص ۵۸۳.

۶. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۵، ص ۲۸۷.

خوشبو به رنگ‌های گوناگون که گاهی دانه‌های تسبیح نیز از آن می‌سازند و بهترین نوع آن در کوه‌های طبرستان دیده می‌شود.^۱

مقدسی دربارهٔ سرزمین دیلم (از مناطق شیعه‌نشین) و محصولات آن می‌نویسد:

دیلم، این جا سرزمین پیله و پشم است. میوه‌هایش را به همه سو می‌برند، کارگرانش مهارت دارند، پارچه‌هایش در مصر و عراق نام‌بردار است... یارانش فراوان، نرخ‌ها مناسب، شهرهایش پاکیزه و رفتار مردم پسندیده است... دریای ایشان گود، شهرهایشان در کرانه‌ها، ماهی‌ها پروار، آبادی‌ها ثروتمند، فراورده‌ها گوناگون، برنج فراوان است، میوه‌های گوارا، انجیر، زیتون، اترنج، خرنوب، عناب بسیار و انگور خوب دارد. روستاها فراخ، شهرها زیبا، خیش‌ها شگفت‌انگیز، نامش پرآوازه، آب فراوان، درآمد بسیار، پارچه‌های خوب دارد.^۲

گزارش مقدسی از منطقه جبال نیز که یک منطقه شیعه‌نشین مشهور بوده، درخور توجه است:

سرزمینی است که گیاهش زعفران، و آشامیدنی مردمش شیر و عسل، و درختانش گردو و انجیر است. دلگشا و پاکیزه و حاصلخیز و آبرومند است، «ری» بزرگ، «همدان» و خوره گرانقدر «اصفهان» در آن است. ارزش آن را هنگامی خواهی دانست که شهرهایش را گزارش دهم، «دینور» و «کرمان شاهان» را یاد کنم، «نهادند»، «قم» و «کاشان» را بیان کنم، «دماوند»، «قرج»، «قصران» را توصیف نمایم، آن جا نه گرما دارد نه پشه و نه مگس و نه مار و نه عقرب و نه کرم. در تابستان بهشت است و باغ و باغچه، در زمستان هیزم و ذغال مفت است.^۳

طوس، که از شهرهای شیعه‌نشین بوده است نیز صادراتی داشته که مقدسی از آن نام می‌برد:

و از طوس دیگ سنگی خوب و حصیر و دانه‌ها صادر می‌شود.^۴

مقدسی در گزارشی از قرن چهارم، دربارهٔ بغداد می‌نویسد:

بغداد مرکز اسلام است و مدینه السلام در آن جاست. [اهالی آن جا] با همهٔ ویژگی‌ها،

۱. همان.

۲. مقدسی، احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۵۱۷.

۳. همان، ص ۵۷۲.

۴. همان، ص ۴۷۵.

ظرافت، ذوق، بذله‌گویی، دانش دقیق و هوای [روح] لطیف دارند. همه خوبی و زیبایی، و هر ظرافت در آن جا و هر ماهری از آن جا است... مردانی در آن جا چهار فصل سال را خفتند تا آن را بشناسند... آذوقه از فرات به وسیله کشتی و به وسیله کاروان‌ها در خشکی از مصر و شام و بادیه به تو خواهد رسید... گران بهاترین چیز مسلمانان و بهترین شهر ایشان و برتر از آن بود که ما توصیف کردیم... اکنون شهر ویران و مسجد جامع آن در آدینه‌ها آباد و پس از آن مختل است. آبادترین جای آن بخش‌های ربیع و کرخ در کرانه باختری و باب الطاق و دار الامیر در خاور است. ساختمان‌ها و بازار در خاوری بیشتر است.^۱

با توجه به این که گزارش از نیمه دوم قرن چهارم است و در آن منطقه کرخ یکی از آبادترین بخش‌ها معرفی شده است، چنین به نظر می‌رسد که این شهر در سال‌های بعد و با آمدن بویه‌یان رونق دوچندانی گرفته باشد.

ب) مراسم مذهبی

یک. عاشورا: از جمله مراسم سیاسی جامعه شیعی که در زمان آل بویه رونق گرفت و هم‌زمان با آمدن سلجوقیان کم‌رنگ شد، آیین بزرگداشت عاشورا بود. پیش‌تر گذشت که در سال ۳۵۲ هـ، دولت آل بویه در سال‌روز عاشورا مردم را به برپایی مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام فراخواند. این حکم دولت وقت سبب شد تا شیعه در برپایی مراسم خود احساس امنیت کنند و بر این اساس، شیعیان در کمال آرامش به این امر پرداختند؛ چنان‌که در اوایل قرن پنجم که آل بویه هم‌چنان در قدرت بودند، این مراسم با حمایت ایشان استمرار یافت.

ابن کثیر - که تعصب شدید ضد شیعی دارد - گزارشی مبنی بر حکم یکی از وزیران آل بویه برای برپایی مراسم عاشورا در سال ۴۰۲ هـ آورده که با طعن و بدگویی به شیعیان همراه است:

در سال ۴۰۲ فخرالملک وزیر، اجازه داد تا شیعیان بدعتی [!] فضیحانه پیرامون عزاداری حسین بن علی علیه السلام راه اندازند و مغازه‌ها را از صبح تا شام ببندند و زنان سر و

صورت خود را برهنه کنند و در رثای حسین مانند زمان جاهلیت بر صورت خود سیلی زنند. خداوند به این وزیر (فخرالملک) خیری نرساند و روی وی را در روز قیامت سیاه گرداند.^۱

چنان‌که اشاره شد ابن کثیر این گزارش را با تعصب و اکراه آمیخته است. برای همین باید درباره جزئیاتی که وی از نحوه عزاداری بیان کرده است، تأمل نمود. مراسم عزاداری در روز عاشورا تا اواخر دوره آل بویه، ادامه یافت. طبق نقلی، شیعیان در سال ۴۱۱هـ که از سال‌های پایانی حکومت بویه‌یان است در برپایی این مراسم با مشکلات جدی مواجه شدند:

در این سال (۴۴۱) اهالی کرخ از برپاداشتن مراسم عزاداری بنا به عادت جاری که روز عاشورا داشتند ممنوع شدند و لکن مردم کرخ زیر بار نرفتند و آن مراسم را انجام دادند و در نتیجه میان آنها و سنیان فتنه بزرگی برپا شد و در آن گیر و دار عده زیادی از مردم کشته و مجروح شدند.^۲

گزارش‌های دیگر حاکی از شدت زد و خورد شیعه و سنی طی سال‌های آینده در کرخ است. سرانجام در سال ۴۴۷هـ دولت آل بویه منقرض شد و محدودیت شیعیان رو به فزونی گذاشت.

دو. غدیر: در این دوره جشن و شادی در عید غدیر به مثابه عید ولایت، رونق تازه‌ای گرفت. ابن اثیر به هنگام نقل حوادث سال ۳۵۲هـ می‌نویسد:

در هشتم^۳ ماه ذی الحجه معز الدوله دستور داد که شهر را آذین بندی و چراغانی کنند. در مراکز شرطه (شهربانی و پلیس) آتش افروخته شد و جشن برپا گردید و مردم بازارها را شبانه باز کردند و مانند شب‌های عید طرب و فرح را آغاز نمودند و آن را عید غدیر خواندند.^۴

۱. فی المحرم منها اذن فخرالملک الوزير الروافض ان يعملوا بدعتهم الشنعاو الفضيحه الصلعا من الانتحاب والنوح والبكاء و تغلق الاسواق من الصباح الى المساء و ان تدوروا النساء جاسرات عن وجوههن و روسهن يلطنن خدودهن كفعل الجاهلیه الجهلاء علی الحسين بن علی فلا اجرالله خيرا و سود الله وجهه يوم الجزاء ر.ک: ابن کثیر. البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ۳۴۵.

۲. ابن اثیر، الکامل، ترجمه، ج ۲۲، ص ۲۶۵.

۳. هجدهم ذی الحجه صحیح می‌باشد و ابن اثیر در این مورد دچار اشتباه شده است.

۴. ابن اثیر، الکامل، ترجمه، ج ۲۰، ص: ۲۶۳.

البنه سنی‌های بغداد بی‌کار ننشسته و اقدامات مشابهی انجام دادند. آنان با برپایی مراسمی، روز غار را به عنوان روز همراهی ابوبکر با پیامبر در غار، در مقابل عید غدیر شیعیان جشن گرفتند. هم‌چنین روز وفات مصعب بن زبیر را در مقابل عاشورا به سوگ نشستند.

ذهبی، ضمن نقل این وقایع، برپایی جشن در یوم غار و به سوگ نشستن در عزای مصعب را صرفاً به دلیل عناد با شیعیان و موضع‌گیری در مقابل آنها می‌داند و می‌نویسد: و یوم الغار لجهله السنه فی شهر ذی الحجه بعد الغدير ثمانية ايام اتخذته العامة عنادا للرافضة.^۱

این نوع گزارش‌ها که در دیگر کتاب‌های قرون اولیه، به خصوص در النقض، دیده می‌شود، حاکی از یک مسئله اجتماعی بسیار مهم است و آن این‌که فعالان طرفین (شیعه و سنی) کاملاً بر تبلیغات هم‌دیگر تأثیر می‌گذاشتند و دیگری را به عکس‌العمل وادار می‌کردند.

سه. اعیاد (روزهای مهم سال): یکی دیگر از گزارش‌هایی که ما را با تاریخ اجتماعی شیعیان در قرن پنجم آشنا می‌کند، مطلبی است که گردیزی در کتاب خود به یادگار گذاشته است. او در باب هشتم کتاب خود فصلی را به این نام اختصاص داده است:

اندر جدول عیدهای مسلمانان: بدان‌که عیدهای مسلمانان بسیار است، که اهل هر مذهبی آن را استعمال کنند، و من آن‌چه یافتم بخاصه از کتب خواجه ابو ریحان رحمة الله علیه بیاوردم، و آن را بجدول کردم، تا یافتن آن بر جوینده آسان‌تر بود.^۲

اگرچه این گزارش اخبار خاص شیعه را بازگو نکرده، بلکه با نگاهی عام، روزهای مهمی که تمامی مسلمانان آن را گرامی می‌داشته‌اند، گزارش نموده، اما می‌توان روزهای مهم شیعیان را از میان آنها تمیز داد.^۳

۱. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲۸، ص ۱۲.

۲. گردیزی، زین الاخبار، تحقیق عبدالحی حبیبی، ص ۴۵۱.

۳. نکته مهم آن‌که وی تمامی روزها، اعم از روزهای شادی، مانند میلاد پیامبر ﷺ، و نیز روزهای غم،

قبل از ذکر گزارش، به دو نکته که می توان از آن برداشت کرد اشاره می شود: اولاً، استعمال کلمه عید برای تمامی روزهای تاریخی، اعم از شادی و غم، بوده است؛ ثانیاً، نویسندگان سعی کرده است با حروف ابجد روزها را معرفی کند تا کمتر دچار تحریف و یا جابه جایی شوند.

حرف «ی»، از ماه محرم (روز دهم) روز عاشورا، شهادت حسین بن علی علیهما السلام در کربلا، اندرین روز مقتل امیر المؤمنین حسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهما بود بکربلا، و این سخت بزرگوار روز است و چون این روزها باشد، بسیار مردم از هر جا بکربلا آیند زیارت گور حسین رضی الله عنه، و آنجا دعاگویند، و شیعه آن روز را بزرگ دارند، و اندر و صدقه دهند، و بر حسین بن علی رضی الله تعالی، عنهما نوحه کنند، و بر یزید لعنت کنند.^۱

حرف «ج» ماه جمادی الاولی (روز سوم)، وفات بتول فاطمه بنت رسول الله علیهم السلام.

حرف «ح» از ماه ربیع الآخر (روز نهم) مولد علی بن ابی طالب علیه السلام.

حرف «ب» از ماه جمادی الآخر (روز دوم) ولادت فاطمه بنت خدیجه.

حرف «ک» از ماه رجب (روز) ولادت حسین بن علی بن ابی طالب.

حرف «یز» از ماه ذوالحجه (روز هجدهم) روز عید غدیر خم «برای شیعه».^۲

نویسندگان، فقط در این قسمت، یعنی در پایان معرفی روز عید غدیر، می نویسند: «برای شیعه». ظاهراً روزهای دیگر را بقیه نیز محترم می شمردند؛ اما روز غدیر و برپایی جشن آن مخصوص شیعیان بوده و دیگران به آن اعتنایی نداشتند! نمونه های دیگر:

۱. حرف «بط» از ماه رمضان وفات علی از ضرب ابن ملجم.

۲. حرف «کا» از ماه رمضان وفات علی بن موسی الرضا و بازگشت مأمون از سبز پوشی به سیاه پوشی.

مانند روز وفات آن حضرت، و یا روزهای دیگری که نه حکایت گر شادی است و نه نشانه غم، مانند روز جنگ جمل را با کلمه عید معرفی نموده است. به عبارت دیگر کلمه «عید» در این جا، به معنای لغوی آن است، نه معنای اصطلاحی امروزی که عید را فقط برای ایام شادی به کار رود. ضمناً بعضی از روزهای تولد ائمه علیهم السلام مانند روز تولد حضرت علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام با آن چه امروز مشهور و رایج شده، متفاوت بوده است.

۱. گردیزی، زین الاخبار، ص ۴۵۴

۲. همان، ص ۴۵۱.

۳. حرف «ه» از ماه ذوالقعدة زناشویی فاطمه زهرا با علی بن ابی طالب علیهما السلام.^۱

اینها برخی از روزهایی است که گردیزی آنها را به عنوان عید (روزهای مهم سال) معرفی نموده است. وی روزهای دیگری نیز ذکر کرده که ما از ذکر آنها می‌گذریم. چنان‌که اشاره شد به نظر می‌رسد که مسلمانان همه این روزها را گرامی می‌داشتند. چرا که روز غدیر را با عبارت (برای شیعه) تخصیص داده است. اگر چنین باشد باید واقعاً زندگی مسالمت‌آمیز و همدلی میان شیعه و سنی را در سده‌های نخستین تحسین کرد. هم چنین گردیزی که سنی مذهب است از روز ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام یاد می‌کند که این می‌تواند بیانگر روح حاکم بر جامعه آن عصر باشد.

کتاب دیگری که به روزهای مهم سال پرداخته و روزهای غم و شادی شیعیان را متذکر شده است کتاب مسار الشیعه، نوشته شیخ مفید، می‌باشد. ایشان در این کتاب ماه‌ها و روزهای پراهمیت سال را نام برده و چنان‌چه از ائمه اطهار علیهم السلام اعمال خاصی در آنها وارد شده باشد، آن را بیان کرده است. به عنوان نمونه روز عید غدیر را متذکر شده است و می‌نویسد: این روز عید بزرگ است به خاطر این که خداوند تبارک و تعالی حجتش را بر مردم آشکار کرده و وصی پیامبرش را بر مردم نمایانده است.^۲ هم چنین او با اشاره به روز بیست و هفتم رجب که مصادف با روز بعثت است، می‌نویسد که این روز شریفی است و صدقه دادن و ادخال سرور در قلب مومنین مستحب است.^۳

۲- نظام ارتباطی عالمان دینی با مردم

۱- ۲. نایبان علما در مناطق مختلف

از شیخ مفید رحمه الله، آثاری به جای مانده که حاکی از این واقعیت است که در آن زمان عالمان دینی به مثابه زعم شیعیان، برای تبلیغ و حل مشکلات دینی مردم، نایبانی به

۱. همان.

۲. مفید، مسار الشیعه، ص ۲۹.

۳. همان، ص ۶۰.

مناطق مختلف می‌فرستادند. شاهد ما بر این مدعا، سؤالاتی است که یکی از نایبان شیخ مفید از شهرهای شمالی ایران از وی پرسیده است و مرحوم شیخ نیز در قالب کتابی با نام *المسائل السرویه*، جواب‌ها را برای وی نوشته و ارسال داشته‌اند.^۱

۲- ۲. سوال و جواب و استفتانات

از گونه‌های برقراری این ارتباط که می‌توان به خوبی در منابع قرن پنجم یافت، سوال و جواب مردم و شاگردان از علمای آن عصر است. از آنجایی که شیخ مفید در قرن پنجم، هم‌چون سایر دانشمندان متمایز، به عنوان زعیم شیعه شناخته می‌شده است، لذا هم نایبان وی و هم مردم سؤالات خویش را به بغداد ارسال می‌کردند و جناب شیخ پاسخ‌های آنها را در قالب نوشته‌ای و حتی در قالب کتابچه و رساله برای آنها می‌فرستاد. مرحوم شیخ مفید رساله‌ای دارد به نام *جوابات اهل موصل*، این کتاب مجموعه پاسخ‌هایی است که ایشان در جواب استفتاءات مردم موصل فرستادند. از دیگر نکات درخور توجه این است که مرحوم شیخ به هنگام پاسخ، سؤال کننده را به مطالعه کتاب‌های مرتبط فرا می‌خواند. از باب نمونه، شیخ مفید در کتاب *جوابات اهل الموصل*، در پاسخ به سؤالات مردم این شهر می‌نویسد:

پاسخ این سؤال در کتاب *مصباح النور فی علامات اوائل الشهور* آمده و هر کس بخواهد با تفصیل بیشتری پاسخ را بداند به آن کتاب مراجعه نماید.^۲

هم‌چنین به هنگام نوشتن کتاب *المسائل السرویه*^۳، سؤال کنندگان را به کتاب *الموضع فی الوعد و الوعيد* ارجاع می‌دهد تا با مطالعه آن کتاب، جواب تکمیلی خویش را دریابند. این گزارش‌ها حاوی نکات دقیقی است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. همو، *المسائل السرویه*، مقدمه کتاب.

۲. و قد اختصرت ذکر المتون و الاسانید لئلا یتشر به الکلام، و اودعت ذلک فی کتابی (مصباح النور فی علامات اوائل الشهور) فمن اراد این یقف علی التفصیل فید، والشرح لمعانید، فلیتمسه هناک ان شاء الله. ر.ک: مفید، *جوابات اهل الموصل*، ص ۴۶.

۳. برخی آن را منسوب به «ساری» از شهرهای شمالی ایران می‌دانند. برای اطلاع ر.ک: مفید، *المسائل السرویه*، مقدمه کتاب.

الف: نحوه رابطه عالمان دینی با مردم؛ ب: تشویق کردن مردم به مطالعه کتاب‌ها؛ ج: از همه مهم‌تر این که نشر کتاب به گونه‌ای بوده است که شیخ مفید مردم را به آنها ارجاع می‌دهد.

۳-۲. مرجعیت

در ساختار اجتماعی شیعه، مرجعیت همواره یکی از شاخصه‌های تأثیرگذار بوده است. این مقام را شخصیتی علمی - مذهبی که دارای بینش سیاسی است برعهده گرفته تا مسیر شایسته را به شیعیان معرفی نماید. از مراجع بسیار برجسته قرن پنجم می‌توان به شیخ مفید و شیخ طوسی رحمهما الله اشاره نمود. در بخش‌های پیشین اشاره کردیم که علاوه بر شاگردان این عالمان، مردم نیز سؤالات خویش را نزد ایشان می‌فرستادند و پاسخ می‌گرفتند. شاید بتوان از این رفتار اجتماعی با عنوان کلی «استفتائات» یاد کرد.

۳. منصب نقابت سادات و علویان

۱-۳. نقابت

مدیریت اجتماعی سادات و علویان، در درون جامعه شیعه یک ساختار اختصاصی داشته که از آن به «نقابت» تعبیر شده است. نقابت در واقع سرپرستی تمام مرد و زنی بود که نسبشان به حضرت ابوطالب می‌رسید.^۱ در واقع نقابت منصبی بود که خواه ناخواه به شخصیت ممتاز و محبوب و عالم با تقوا تعلق می‌گرفت و مردم به طور طبیعی در دور او گرد می‌آمدند و سرپرستی‌اش را پذیرا [می‌شدند] و خلفا و سلاطین هم برای کسب وجهه بدان حکم می‌دادند.^۲

در اواخر قرن چهارم، ابواحمد حسین بن موسی، پدر سید رضی، نقیب شیعیان بوده است. ابن اثیر در گزارشی آورده است:

۱. علی‌نقی ذبیح زاده، مرجعیت و سیاست در عصر غیبت، جلد اول، ص ۱۷۴.

۲. همان، ص ۱۷۵.

در سال ۳۸۰ در ماه ربیع الاول ابوالاحمد پدر سید رضی سرپرستی طالبیین و دیوان مظالم^۱ و امارت حجاج را به عهده گرفت.^۲

وی در نقلی دیگر که مربوط به سال ۳۹۶ هـ است، به امر نقابت سید رضی اشاره می‌کند:

در این سال، شریف رضی به نقابت طالبیان در عراق منصوب شد و به لقب «رضی ذی الحسبین» و برادرش مرتضی به لقب «ذا المجدین» ملقب شدند.^۳

۴. رابطه شیعیان با غیر شیعیان

۱- ۴. با اهل سنت

الف) زندگی اجتماعی مسالمت آمیز: با سیری در تاریخ قرن پنجم و نیز قبل و پس از آن این واقعیت کشف می‌شود که جوامع شیعی و سنی در موارد زیادی در کنار هم می‌زیسته و با هم حشر و نشر داشته‌اند؛ در مشاغل با هم همکاری می‌کرده‌اند؛ گاه به پای یک سخنرانی می‌نشسته‌اند و در یک مسجد نماز می‌خوانده‌اند. عبدالجلیل قزوینی رازی، فصلی از کتاب النقص را به پاسخ‌گویی این شبهه اختصاص داده است که «چرا شیعیان در مجالس دیگر مذاهب شرکت می‌کنند؟» وی می‌نویسد:

اما آن‌چه که گفته است و به عیب وانموده است که شیعه به مجلس مخالفان خود شوند:

اولاً به قرآن انکار می‌کنند و قول خدای را رد می‌کنند. و دعوت مصطفی را باطل می‌دانند به دلیل این آیت که باری تعالی در نص قرآن مجید و کتاب عزیزی گوید محمد را به امر مطلق «الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه»؛ بشارت ده ای

۱. این منصب به منزله مدعی العموم در قضا است. علت پیدایی چنین مسئولیتی این بود که تمام شهرهای قلمرو عباسی تشکیلات قضایی داشتند که به شکایات مردم رسیدگی می‌کردند. اگر حل و فصل پرونده‌ای از عهده قاضیان خارج بود به مرکز می‌فرستادند تا یا خلیفه خود تصمیم نهایی را بگیرد و یا فرد مجتهدی که سرپرست دیوان مظالم بود آن را حل و فصل نماید. ر.ک: ذبیح زاده، همان، ص ۱۷۶.

۲. و فیها (سنه ۳۸۰) فی ربیع الاول قلد الشریف ابوالاحمد والدارضی نقابه الطالبیین، و المظالم، و اماره الحاج ر.ک: ابن اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۷۸.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۲۹۳.

محمد بندگان مرا که قول‌های مختلف بشنوند و متابعت بهتر و حق‌تر و اولی‌تر کنند. پس شیعه محمودند و مستحق ثواب و متابعت فرمان خدا و رسول و قرآن کرده‌اند.^۱

او در ادامه می‌افزاید:

و اگر انکار به مجلس رفتن این جماعت از آن است که گویند مخالف است، این طریقه در هر طایفه باشد و کدام دوشنبه باشد که در مجلس ما از ده و بیست و پنجاه و پانصد منقبت خوان و عالم و بازاری از حنفیان و شفعویان کمتر باشند و می‌شنوند و می‌نویسند و این معنی ظاهر و شایع است.^۲

این گزارش نفیس حاکی از مسائلی مهم و با ارزش است که به آنها می‌پردازیم: اولاً، این که رفت و آمد شیعیان در مجالس دیگران به حدی بوده است که اعتراض نویسنده کتاب فضایح را برانگیخته است. ثانیاً، استدلال عبدالجلیل بسیار زیبا و حاکی از آزادی بیان است. البته نباید آن را به معنای تسامح دینی دانست، بلکه این آزادی دینی به گونه‌ای بود که افراد با مذاهب گوناگون در کنار هم می‌نشستند و یک سخنرانی را گوش می‌کردند و هر کدام برای خود بهره‌ای می‌بردند. ثالثاً، این که عبدالجلیل از روز دوشنبه یاد می‌کند، ظاهراً به این علت باشد که در این روز برنامه‌ای هفتگی برگزار می‌شده و عالمی در مسجد شهر منبر می‌رفته است و مردم پای سخنان وی می‌نشستند؛ و رابعاً، این سخنرانی، یک سخنرانی معمولی نبوده است، بلکه مردم برای فراگیری مسائل جمع می‌شدند و نکاتی یادداشت می‌نمودند.

در پایان این گزارش، عبدالجلیل جمله‌ای آورده که به این گزارش اعتبار بیشتری بخشیده است؛ وی می‌نویسد: «و این معنا ظاهر و شایع است». این جمله حاکی از این است که این رسم، نه فقط برای یک یا دوبار، بلکه برای مدتی که همه از آن خبر و آگاهی داشته باشند، انجام می‌گرفته است.

عالمات و سخنرانان میهمان: النقض، گزارش دیگری نیز درباره مجالس وعظ دارد. این گزارش نیز در ادامه جواب شبهه پیشین است که شیعه در هر مجلسی شرکت می‌کند. وی می‌نویسد:

۱. قزوینی، النقض، ص ۱۰۴.

۲. همان.

اگر عالم و گوینده غریب، که در شهر آید اگر نفاق نکند و به طمع سیم دنیا و مجامله خواجگان شیعی و امید قبول به حضور عوام و خواص شیعه در مذهب خود مدهنه نکند، و تعصب سرد نکند، و علی را بر عمر فضیلت نهد و اهل البیت را بر اصحاب ترجیح دهد لابد شیعه مجلس او را مایل باشند و اگر مذهب خود روی راست گوید به مجلس وی چندان شوند که به مجلس مقیمان شهر...^۱

این گزارش نیز خود حاکی از وضعیت اجتماعی شیعیان آن عصر است؛ به گونه‌ای که شیعه و سنی با هم زندگی می‌کردند و دست‌کم مسجد واحدی برای شنیدن وعظ و واعظان داشتند. وی سخن از عالمی غریب به میان می‌آورد که وارد شهر می‌شود و سخنرانی می‌کند. دیگر این که از روحیه و فرهنگ بالای شیعیان گزارش می‌کند که اگر عالم سخنران فردی متعصب نباشد و نخواهد مردم را فریب دهد، شیعیان به مجلس وی می‌روند و به سخنانش گوش فرا می‌دهند.

تجدید بنای مشهد امام رضا (ع) توسط سلطان محمود: دلیل ذکر این نکته در این جا آن است که شاهی بر فعالیت‌های متقابل شیعه و سنی باشد؛ چرا که در گزارش آمده است که سلطان محمود از آزار زائران جلوگیری نمود. این اقدام از طرف اهل سنت صورت گرفته است؛ اما می‌تواند گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی شیعیان به حساب آید. طبق نقل تاریخ، در عصر سلجوقیان یکی از حاکمان این سلسله، بنای مقبره‌ای از امامزادگان را ترمیم کرد. این می‌تواند یکی از ابعاد رفتارهای مسالمت‌آمیز شیعه و سنی باشد. این اثر در گزارشی می‌نویسد:

یمین الدوله محمود بن سبکتکین... بنای مشهد طوس را تجدید کرد که در آن جا آرامگاه علی بن موسی الرضا، و الرشید (مقصود هارون الرشید است) قرار دارد و به نیکوترین وجهی تجدید ساختمان کرد. پدرش سبکتکین آن جا را خراب کرده بود و مردم طوس کسانی را که به زیارت آن جا می‌رفتند اذیت می‌کردند، و محمود از کار آنها در آزار زائران جلوگیری کرد. سبب کار محمود در تجدید بنای آرامگاه و مشهد علی بن موسی الرضا این بود که در خواب، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) را

بدید که باو گفت: این کار تا کی ادامه خواهد داشت؟ محمود دریافت که مقصود امر مشهود است، پس فرمان به بنای آن داد.^۱

البته نویسندگان نام هارون را نیز اضافه کرده است. این اضافه برآمده از آن است که به هر حال نویسنده شیعه نبوده است.

ب) نزاع‌های محلی بین شیعه و سنی: تاریخ، علاوه بر نقل دوستی‌ها و رفتار مسالمت‌آمیز مذاهب مختلف، به بیان مواردی از درگیری و تخاصم فرقه‌ها و نحله‌ها پرداخته است. در قرن پنجم، گزارش‌هایی از کرخ بغداد و یا خراسان مبنی بر درگیری شیعیان و اهل تسنن رسیده است که در ذیل می‌آید. البته این نکته قابل ذکر است که این گونه گزارش‌ها نباید سیاسی تلقی شود؛ زیرا این نوع نزاع‌ها از بطن و متن مردم برخاسته است و لذا کاملاً تاریخ اجتماعی به حساب می‌آید.

ذهبی در گزارشی از سال ۴۰۷ هـ می‌نویسد:

در این سال (سال ۴۰۷) آتش فتنه و جنگ بین شیعه و سنی شعله ور شد و خانه‌های شیعیان غارت شد و آتش زده شد و بزرگان شیعه و علویین فرار کردند...^۲

هم چنین، وی در گزارشی از سال ۴۲۱ هـ می‌آورد:

به اهل کرخ اعلام شد که روز عاشورا عزاداری نکنند. اما [شیعیان] سر باز زدند و لذا بین آنها جنگ و خونریزی بسیار زیادی اتفاق افتاد.^۳

مقدسی نیز از تعصبات مذهبی گزارش می‌دهد:

در بصره میان ربعیان شیعی و سعدیان سنی تعصب‌های وحشیانه رخ می‌دهد، روستائیان نیز بدان درآیند. و کمتر شهر است که در آن تعصب بر بیگانه مذهبان یافت نشود.^۴

۱. ابن اثیر، الکامل، ترجمه، ج ۲۲، ص ۱۱۵.

۲. «و فيها هاجت الفتنة بين الشيعة والسنة بواسطة، و نهبت دور الشيعة الزيدية و أحرقت، و هرب وجوه الشيعة و العلويين...» ر.ک: ذهبي، تاريخ الاسلام، ج ۲۸، ص ۲۵.

۳. «تقدم إلى أهل الكرخ أن لا يعملوا مأتما- يوم عاشوراء، فأخلفوا و جرى بين أهل السنة و الشيعة ما زاد على الحد من القتل و الجراحات» ر.ک: ذهبي، همان، ج ۳۰، ص ۵.

۴. مقدسی، احسن التقاسيم، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲-۴. با سایر ادیان

فیلیپ خوری حتی، در کتاب خود می‌نویسد: مسیحیان در زمان خلفای عباسی، نیز در قرن پنجم، به راحتی و آزادی در کنار مسلمانان بودند. از شواهد وی این است که نصر بن هارون یکی از وزیران دربار آل بویه بوده است.^۱

۵. نماد اذان و نقش فعال آن در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی شیعه

از جمله نمادهای مذهبی که تحت تأثیر از وضع سیاسی جامعه تغییر می‌کرد، اذان بود. عبارت «اشهد ان علیا ولی الله» و «حی علی خیر العمل» در اذان صبح از نشانه‌های یک اذان شیعی، و «الصلوة خیر من النوم» از نشانه‌های اذان اهل سنت بود. طبق گزارش‌های تاریخی، آن زمان که شیعه احساس آزادی می‌نمود، دو عبارت نخست با صدایی رسا بر مناره‌ها بلند بود، و آن‌جا که اهل سنت قدرت را در دست می‌گرفتند، شیعه اجازه گفتن آن را نداشت.^۲ در اوایل قرن پنجم، شیعه در پناه آل بویه این عبارت‌ها را در اذان به کار می‌برد. هم‌زمان با آمدن سلجوقیان، تغییر عبارت‌های اذان از اولین سیاست‌های طغرل سلجوقی است. ابن اثیر در گزارشی می‌نویسد:

سلطان طغرل امر کرد در اهواز بدون نواهی که تضمین آنها کرده است به نام خود خطبه بخواند... و به اهالی کرخ دستور داد که سحرگاهان در اذان صبحگاهی بگویند: «الصلوة خیر من النوم».^۳

در تبعیت از حکم سلطان طغرل، خلیفه نیز در سال ۴۴۸ هـ دستور داد که در کرخ در گفتن اذان نماز، به جای «حی علی خیر العمل» گفته شود: «الصلوة خیر من النوم» و آن‌چه دستور داده شده بود از ترس سلطنت و قوت آن انجام شد.^۴

۱. فیلیپ خوری حتی، تاریخ عرب، ص ۴۵۱.

۲. ابن اثیر، الکامل، ترجمه، ج ۲۲ ص ۳۱۷.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۳۶.

۶. منقبت و فضیلت خوانی

قصه خوانی سابقه‌ای بسیار زیاد دارد و تاریخ آن به پیش از اسلام نیز برمی‌گردد؛ اما روشن است که این امر دچار تغییر و تحولاتی شده و به خصوص پس از اسلام رنگ مذهبی به خود گرفته است.^۱ به نظر می‌رسد که قصه خوانی تحت تأثیر جو سیاسی جامعه نیز بوده و گاهی به صورت کم‌رنگ یا پررنگ جلوه گر می‌شده است.

به هر روی، در قرن پنجم نیز شاهد این قضیه هستیم. افرادی برای دفاع از تشیع به منقبت خوانی از خاندان پیامبر ﷺ می‌پرداختند و در مقابل آنها، برخی از سنیان فضایل خلفا را برمی‌شمردند. بررسی این پدیده اجتماعی نشان می‌دهد که شخصیت‌هایی، چون فردوسی و... در قرن چهارم و پنجم، عناصر داستانی ایران قبل از اسلام را احیا کردند و اوقات فراغت مردم نیز بدین طریق پر می‌شد. در لابه‌لای این اشعار قصصی، نکات دینی و اخلاقی نیز راه یافته بود که در ایران راه خویش را پیدا کرد و هم‌چنین با فراز و نشیب‌هایی فراوان تداوم یافت. آگاهیم که در قرن پنجم و ششم دو دسته مختلف از کسانی که کار تبلیغات قصصی را برعهده داشتند عبارت بودند از: گروهی از شیعیان با عنوان «مناقب خوانان» و گروهی دیگر از سنیان با عنوان فضایل خوانان.^۲

در خصوص تأثیرپذیری قصه خوانی از وضع سیاسی جامعه نیز این نکته مسلم به نظر می‌رسد که در درون این قصه‌ها افزودنی‌ها و کاستی‌هایی بر اساس مشی سیاسی و مذهبی موجود در جامعه ایران رخ داد. مجموعه‌هایی چند از آن‌چه در آن عهد و پس از آن در دوره تیموری و صفوی نگاشته شده نشان می‌دهد که محتوای قصص، برگرفته از قصه‌های ایرانی قبل از اسلام و نیز داستان‌های برگرفته از حوادث قرون اولیه هجری است. در این حوادث خوی ایرانی که ضدیت با بنی‌امیه و بنی‌عباس با آن توأم شده است، به چشم می‌خورد.

۱. رک: رسول جعفریان، پژوهشی درباره نقش دینی و اجتماعی قصه‌خوانان در تاریخ اسلام و ایران، ص ۱۲۸.

۲. همان، ص ۱۴۰.

یادآوری این نکته نیز ضروری است که برخی از این قصص عامیانه، خیالی محض و بیشتر صورت اساطیری دارد و در آنها هیچ اشاره به مسائل مذهبی دیده نمی‌شود.^۱

در نتیجه، در اثر فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی، افرادی و ادار به فعالیت و اتخاذ موضع و تبلیغ می‌شدند تا بتوانند مواضع سیاسی و مذهبی خویش را معرفی نمایند. شاید بتوان نوع فعالیت منقبت خوانان و فضیلت خوانان که در حوزه سیاسی و فرهنگی فعالیت می‌کردند، به مطبوعات امروزی تشبیه نمود. باز تأکید می‌شود که منقبت خوانی به جوامع شیعی اختصاص داشته است.

۷. رونق مساجد، مدارس و محافل علمی

در ابتدای این مقاله گذشت که در قرن پنجم هجری، دنیای اسلام و به تبع آن عالم تشیع، رونقی دوچندان گرفته بود و حضور عالمان و متفکران، خود معرف این واقعیت است. طبیعی است که با حضور این دانشمندان، گرمی مدارس و محافل علمی نیز افزایش می‌یابد. در این قسمت، مطلبی از عبدالجلیل قزوینی درباره رونق علمی و فرهنگی مدارس ذکر می‌کنیم. این گزارش، در واقع موضع گیری مؤلف النقض است که برای نشان دادن میزان فعالیت مساجد و مدارس علمی بیان شده است. وی درباره وضعیت مدارس و مساجد شهر ری چنین گفته است:

اولاً مدرسه بزرگ سید تاج الدین محمد کیسکی قریب به نود سال است که [در آن] ختم قرآن و نماز جماعت هر روز پنج بار و مجلس وعظ هفته‌ای یک یا دوبار برگزار می‌شود و در این مدرسه موضع مناظره و نزول مصلحان در آن جا که مجاورند از اهل علم و زهد و سادات و فقهای غریب که رسند باشند و معمور و مشهود است... و مدرسه شمس الاسلام... و مدرسه سادات کیسکی... و مدرسه نزدیک دروازه آهنین... و مدرسه فقیه علی جاسبی... و مدرسه خواجه عبدالجبار مفید که چهارصد فقیه و متکلم در آن درس آموختند... و مدرسه حسین حیدر مکی و...^۲

این گزارش بیانگر این واقعیت تاریخی است که شیعیان در قرون گذشته از چه رونق

۱. همان، ص ۱۴۲.

۲. قزوینی، النقض، ص ۳۴.

علمی و فرهنگی برخوردار بودند و چه برنامه‌های منظم فرهنگی به صورت روزانه و هفتگی انجام می‌دادند.

نکته دیگری که در این جا می‌توان استفاده نمود این است که وی می‌نویسد: حدود نود سال است که این برنامه برپاست. این جمله در تأیید همان سخن ما در مقدمه مقاله است که رسمی و سنتی برای سال‌های متمادی انجام می‌گرفته است و لذا می‌تواند برای سال‌ها و قرن‌ها به عنوان شاهد مطرح شود.

۸. برجسب‌های قرمطی‌گری

ابن اثیر در گزارشی در تمجید از سلطان محمود غزنوی می‌نویسد:

یمین الدوله، محمود بن سبکتکین، مردی خردمند، دین‌دار و خیر بود. از دانش و معرفت برخوردار داشت... و دانشمندان از اقطار بلاد قصد او نمودند و او آنان را گرمی می‌داشت و از دیدارشان استقبال کرده، احترامشان می‌نمود و به آنها احسان می‌کرد. محمود مردی دادگستر و بسیار با دهش و... بود. ... چیزی که در او عیب گرفته شود نبود، مگر این که از هراهی که بود اموال را می‌گرفت؛ از جمله این که شنید شخصی در نیشابور بسیار دولتمند و توانگر است، او را به غزنه احضار کرد و به او گفت: ما شنیده‌ایم تو قرمطی هستی. آن مرد گفت: من قرمطی نیستم. هر چه دارایی دارم بگیرد و مرا از این نام (تهمت) معاف دارید. محمود مالی از وی نگرفت و نامه‌ای در صحت اعتقادش نوشته بر آن صحنه گذاشت.^۱

از این نقل، چنین می‌توان استفاده نمود که صفت قرمطی در جو اجتماعی در قرن پنجم در منطقه نیشابور بسیار بد شمرده می‌شد؛ از این رو شخص مجبور شده است که تمام دارایی خویش را بدهد و خود را از این نام و این تهمت رهایی بخشد؛ چرا که قرمطیان^۲ - که شاخه‌ای از اسماعیلیه به

۱. ابن اثیر، الکامل، ترجمه، ج ۲۲، ص ۱۱۴.

۲. قرمطیان یا قرامطه از انشعابات فرقه اسماعیلیه و منسوب به مردی به نام حمدان قرمط بودند. قرامطه در اواخر قرن سوم هجری در بحرین دولتی تاسیس کردند و بر بین النهرین و خوزستان و بحرین و یمن و سوریه نیز دست یافتند. ایشان کسانی که حجرالاسود را می‌بوسیدند کافر می‌شمردند (ر.ک: محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی، ج چهارم ص ۳۵۸).

حساب می آیند - حتی در نظر اسماعیلیه نیز منفور و خارج از دین تلقی می شوند؛ چه رسد به دیگران.

۹. مهاجرت و جابه جایی

۹-۱. جابه جایی علویان

از مؤلفه های بسیار مهم در تاریخ اجتماعی شیعه، مهاجرت کسانی است که برای رهایی از ستم ظالمان مجبور می شدند به شهرها و مناطق امن مهاجرت کنند. نمونه های این مسئله نیز در تاریخ بسیار زیاد است؛ از جمله مهاجرت اشعری ها به قم که پی آمد آن، شیعه نشین شدن شهر قم برای همیشه است. هم چنین می توان به جابه جایی سادات علوی به ناحیه شمالی ایران اشاره کرد. در زمان امویان، بسیاری از سادات علوی برای فرار از ظلم حکومت اموی، عراق را به قصد ایران ترک کردند. این مهاجرت پی آمدهای بزرگی به همراه داشت که تأسیس حکومت علویان طبرستان در آن ناحیه از آن جمله است.

نمی توان کتمان کرد که از آثار و پی آمدهای این جابه جایی ها، ازدیاد محبت اهل بیت علیهم السلام در میان مردم ایران است. وجود بقعه ها و امامزاده ها در گوشه و کنار ایران، گویای همین نکته بسیار مهم است که پس از گذشت سال ها، هنوز مردم با کمال احترام از آنها یاد می کنند. به یقین بزرگ ترین نمونه این گونه رویدادها آمدن امام رضا علیه السلام به طوس و در پی آن آمدن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم می باشد. به گونه ای که تاریخ این دو شهر شیعه نشین ایران و به تبع آن در سال ها و قرن های بعدی تمام ایران، تحت تأثیر این دو سفر خوش بمن و بابرکت بوده است. سخن گفتن از لایه های پیدا و پنهان این بعد از تاریخ اجتماعی شیعیان در این مجال ممکن نیست.

۹-۲. جابه جایی علما و تأسیس دانشگاه ایرانی در بغداد

مهاجرت عالمان دینی به مناطق مختلف برای تحصیل علم نیز می تواند در این باره شاهدی برگرفته های ما باشد. نمونه بارز آن مهاجرت شیخ طوسی از طوس به بغداد

است. وی در محضر عالمانی، هم چون مفید و مرتضی، درس آموخت و اقدام به برپایی مرکز علمی و کتابخانه‌ای بزرگ جهت نشر معارف شیعی نمود. با حمله سلجوقیان،^۱ وی مجبور شد به نجف هجرت کند. این هجرت برکات بسیاری به دنبال داشت که حوزه عملیه نجف بزرگ‌ترین یادگار ایشان به حساب می‌آید.

یکی از ابعاد تاریخ اجتماعی شیعیان، حضور شاگردان ایرانی در حلقه درس شیخ طوسی است. بعد از آن که شیخ طوسی رحمه الله در جایگاه مجتهد افقه و اعلم جامعه شیعه قرار گرفت، تشنگان دانش را از نقاط مختلف به سوی خود جذب می‌نمود. بسیاری نیز به منظور کسب دانش از محضر شیخ طوسی، از ایران عازم بغداد شدند که در ادامه دانشگاهی در بغداد و سپس در نجف تشکیل شد که استاد و شاگرد آن، هر دو ایرانی بودند. مؤلف محترم کتاب تاریخ تشیع در ایران، نام تعداد زیادی از این شاگردان ایرانی را ذکر می‌کند که برخی از آنها عبارتند از:

آدم بن یوسف نسفی؛ احمد بن حسین بن احمد خزاعی نیشابوری؛ اسحاق بن محمد بن حسن بن حسین بابویه قمی، به همراه برادرش؛ حسن بن حسین بن بابویه قمی، معروف به حسکا؛ حسین بن مظفر بن علی حمدانی قزوینی؛ سید ذولفقار بن محمد بن معبد حسنی مروزی؛ عبدالجبار عبدالله بن علی مقری رازی؛ عبدالرحمن بن احمد بن حسین مفید نیشابوری؛ محمد بن فتال نیشابوری و منصور بن حسین آبی.^۲

این جابه‌جایی از حوادث مهم در تاریخ اجتماعی قرن پنجم شیعیان به حساب می‌آید که سبب شد نجف تا زمان مطرح شدن حله به عنوان مرکز فقه و فقاهات عالم تشیع در عصر مغولان، طلایه دار عرصه علم و فرهنگ دنیای تشیع باشد. در حدود سه قرن مرکزیت فقه و فقاهات از آن نجف بود به گونه‌ای که تا زمان ع. س. حلی، کسی یارای صدور فتوایی متفاوت با فتاوا و آرای شیخ طوسی نداشت.

۱. در این سال (سال ۴۴۹) خانه ابی جعفر طوسی فقیه امامیه در کرخ مورد غارت واقع شد و هر چه در آن یافته می‌شد تاراج کردند (ر.ک: ابن اثیر، *الکامل*، ج ۲۲، ص ۳۴۳).

۲. رسول جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران*، ج ۳، ص ۱۰۹۷-۱۱۰۱.

۱۰. توسعه شهری قم

مؤلف تاریخ قم، چند باب از کتاب خود را به معرفی بناهای عمومی و خصوصی شهر قم در نیمه دوم قرن چهارم اختصاص داده است؛ از جمله فصل‌های این کتاب می‌توان به «حمامات قم»، «مساجد قم» و «آسیاب‌های قم» اشاره نمود که از توسعه شهری قم در سال‌های مشرف به قرن پنجم هجری حکایت می‌کند و می‌تواند گواه مدعای ما باشد.

از نکات جالب توجه این‌که نویسنده در کتاب خود به آسیابی در نزدیکی زنبیل آباد^۱ اشاره می‌کند:

آسیای مرز که بقرب کهنه یکی، آسیای شاذوکه علیا و بقرب صحرای تاجیک‌آباد دو در یک حصار، آسیای عبد الله بقرب باغ مرزبان دو در یک حصار، آسیای نو بقرب زنبیل‌آباد دو در یک حصار، آسیای عبید الله بقرب گرگان دو در یک حصار، آسیای سعد بقرب ازدورقان دو در یک حصار، آسیای سیاووشان بقرب ازدورقان.^۲

ناگفته نماند که تاریخ قم به طور مفصل از آسیاب‌ها و نیز بناهای دیگر سخن به میان آورده که به رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم. کوتاه سخن این‌که وجود این تعداد از آسیاب‌ها می‌تواند حاکی از کشت و برداشت قابل توجه گندم و نظیر آن و شاهی بر شکوفایی کشاورزی باشد.

نتیجه

در این نوشتار کوشش شد تا زوایایی از تاریخ اجتماعی شیعه در قرن پنجم روشن شود که برخی از دست‌آورد‌های آن عبارت بودند از:

۱. نقش مذهب در تمام ابعاد زندگی اجتماعی شیعیان پیداست. از زندگی عالمان تا زندگی مردم عادی، از بغداد تا خراسان، شیعیان به مسائل، باورها و رسوم مذهبی خویش توجهی خاص داشتند.

۱. از مناطق امروزی شهر قم، منطقه زنبیل آباد است.

۲. حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبد المنک قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، ص ۵۳.

۲. زندگی دوستانه شیعیان با سایر ادیان و مذاهب: اگرچه گزارش‌هایی حاکی از درگیری‌های مقطعی شیعیان و اهل سنت در بغداد وجود دارد، و حتی با آمدن سلاجقه این درگیری‌ها شدت گرفت و در دیگر مناطق شیعه‌نشین نیز گاهی انجام می‌شد اما می‌توان موضع‌گیری مسالمت‌آمیز شیعیان در برخورد با دیگر فرقه‌ها را به وضوح مشاهده کرد.

۳. رابطه عالمان دینی و مردم و بالعکس: این رابطه در قالب سوال و جواب‌ها و استفتائات بوده است که از دورترین مناطق با زعیم شیعیان برقرار می‌شد.

۴. مدیریت اجتماعی سادات و علویان در درون جامعه شیعه در ساختار نقابت که در واقع نقیب از عالمان بزرگ و رهبر و پشتیبان شیعیان به حساب می‌آمده است نیز قابل توجه است.

۵. شاید نتوان منقبت خوانی و در کل قصه خوانی را با مطبوعات امروزی مقایسه کرد. اما به نظر می‌رسد که شباهت‌هایی وجود دارد. موضع‌گیری مذهبی و سیاسی شیعه و سنی، آن هم در قالب افرادی منقبت خوان که به صورت دوره گرد در شهرها و روستاها به تبلیغ مواضع خود می‌پرداختند، از ابعاد مهم و از مؤلفه‌های پررنگ در زندگی اجتماعی مسلمانان و به ویژه شیعیان بوده است. ۶. رونق مجامع و محافل علمی و فرهنگی شیعیان در قرن پنجم بسیار مهم بوده است. در آغاز این مقاله نام شماری از عالمان و اندیشوران شیعه را آوردیم. هم‌چنین، از باب نمونه، مطلبی از کتاب النقص مبنی بر فعالیت مساجد و مدارس شهر ری نقل کردیم.

کتاب‌نامه

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن الکریم، الکامل فی التاریخ، ترجمه ابو القاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ ش.
۲. ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ ق.
۳. جعفریان، رسول، از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان، قم، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۴. _____، پژوهشی درباره نقش دینی و اجتماعی قصه خوانان در تاریخ اسلام و ایران، رثوف، ۱۳۷۰ ش.

۵. _____، تاریخ تشیع در ایران، چاپ سوم: قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۰ ش.
۶. خوری حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم: تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.
۷. ذبیح زاده، علینقی، مرجعیت و سیاست در عصر غیبت، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۴ ش.
۸. ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، ماجرا در ماجرا (سیر عقل و نقل در پانزده قرن هجری)، تهران، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۱ ش.
۹. ذهبی، شمس الدین محمد، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، چاپ دوم: بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ سوم: انتشارات روزبهان، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. قزوینی، رشیدالدین عبدالجلیل، النقص، تصحیح میرجلال الدین محدث، تهران، نشر انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.
۱۲. قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۱ ش.
۱۳. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک، زین الاخبار، تحقیق عبدالحی حبیبی، چاپ اول: تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش.
۱۴. مسکویه رازی، ابوعلی، تجارب الامم و مناقب الهمم، تحقیق ابو القاسم امامی، چاپ دوم: تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۹ ش.
۱۵. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، چاپ چهارم: مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴ ش.
۱۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المسائل السیویة، تهران، انتشارات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. _____، المسائل الصاغانیة، تهران، انتشارات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. _____، المسائل الطوسیة، تهران، انتشارات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. _____، جوابات اهل الموصل، تهران، انتشارات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. _____، مسار الشیعة، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. مقدسی، أبو عبد الله محمد بن أحمد، احسن التقاسیم، ترجمه علینقی منزوی، چاپ اول: تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ ش.
۲۲. مناظر، احسن محمد، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی